

نویسنده: تیموتی الکساندر گوزمن «Timothy Alexander Guzman»
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2026-07-07» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**آمریکا در جنگ علیه ایران شکست خورده است:
نفوذ آمریکا و پایگاه‌های نظامی آن در خاورمیانه
به پایان رسیده است**

**The US Has Lost the War Against Iran: American
Influence and Its Military Bases Occupying the
Middle East Has Ended**



آمریکا جنگ علیه ایران را باخته است.

از اعضای کنگره گرفته تا سنا، دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، از نومحافظه‌کاران
بانفوذ گرفته تا رسانه‌های جریان اصلی، همگی اذعان دارند که آمریکا در جنگ دیگری،
این بار علیه ایران، شکست خورده است.

رابرت کاگان، جنگ طلب نومحافظه‌کار صهیونیست، همسر ویکتوریا نولند، یکی دیگر از جنگ طلبان صهیونیست که در دوران اوباما و بایدن به عنوان دستیار وزیر امور خارجه در امور اروپا و اوراسیا، سفیر ایالات متحده در نا تو و معاون موقت وزیر امور خارجه فعالیت می‌کرد، مقاله‌ای برای نشریه آتلانتیک با عنوان «کیش و مات در ایران: واشنگتن نمی‌تواند عواقب شکست در این جنگ را معکوس یا کنترل کند» نوشت که آشکارا اذعان می‌کند که ایالات متحده در «جنگ انتخابی» خود علیه ایران شکست خورده است:

به سختی می‌توان زمانی را تصور کرد که ایالات متحده در یک درگیری شکست کامل خورده باشد، عقب‌نشینی‌ای چنان قاطع که نه می‌توان آن را جبران کرد و نه می‌توان آن را نادیده گرفت. تلفات فاجعه‌باری که در پرتل هاربر، فیلیپین و سراسر غرب اقیانوس آرام در ماه‌های اول جنگ جهانی دوم متحمل شد، سرانجام جبران شد. شکست هادرویتنام و افغانستان پرهزینه بودند، اما آسیب‌پذیری به موقعیت کلی آمریکا در جهان وارد نکردند، زیرا آنها از صحنه‌های اصلی رقابت جهانی دور بودند. شکست اولیه در عراق با تغییر در استراتژی که در نهایت عراق را نسبتاً پایدار و بدون تهدید برای همسایگانش باقی گذاشت و ایالات متحده را در منطقه مسلط نگه داشت، کاهش یافت.

کاگان به وضوح می‌گوید که نتیجه جنگ هرگز قابل برگشت نیست، که وضع موجود واشنگتن به طور دائم آسیب دیده است. به عبارت دیگر، هیچ راه برگشتی وجود ندارد:

شکست در رویارویی فعلی با ایران ماهیتی کاملاً متفاوت خواهد داشت. نه می‌توان آن را ترمیم کرد و نه نادیده گرفت. هیچ بازگشتی به وضع موجود قبل از آن وجود نخواهد داشت، هیچ پیروزی نهایی آمریکایی که آسیب‌های وارده را جبران یا برطرف کند، وجود نخواهد داشت. تنگه هرگز مانند گذشته "باز" نخواهد بود. با کنترل تنگه، ایران به عنوان بازیگر کلیدی در منطقه و یکی از بازیگران کلیدی در جهان ظاهر می‌شود. نقش چین و روسیه، به عنوان متحدان ایران، تقویت می‌شود؛ نقش ایالات متحده، به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. برخلاف ادعای مکرر حامیان جنگ، این درگیری نه تنها نشان‌دهنده قدرت آمریکا نیست، بلکه آمریکایی را آشکار کرده است که غیرقابل اعتماد و ناتوان از اتمام کاری است که آغاز کرده است.

نیویورک تایمز اخیراً مقاله‌ای با عنوان «رئیس جمهور ترامپ در این جنگ شکست خورد» منتشر کرده است که در آن به نکته‌ی بدیهی نیز اشاره شده است:

از زمان آغاز جنگ، او گفته است که ایالات متحده به «پیروزی کامل و تمام‌عیار» دست خواهد یافت و ایران باید با «تسلیم بی‌قید و شرط» موافقت کند. او اظهار داشت که تغییر رژیم رخ خواهد داد. او گفت که به ایران اجازه «غنی‌سازی» اورانیوم داده نخواهد شد و «ایالات متحده، با همکاری ایران، تمام مواد هسته‌ای نزدیک به درجه‌ی بمب که در اعماق زمین دفن شده‌اند» را که از قبل در اختیار دارد، استخراج و حذف خواهد کرد.

به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این‌ها درست باشد. دولت تندروی ایران همچنان پابرجاست. ظاهراً جزئیات توافق هسته‌ای طی دو ماه آینده مورد مذاکره قرار خواهد گرفت، اما به نظر می‌رسد که مفاد آن شبیه به توافق سال ۲۰۱۵ باشد که رئیس‌جمهور باراک اوباما مذاکره کرد و آقای ترامپ در سال ۲۰۱۸ آن را لغو کرد.

رسانه‌های جریان اصلی هنوز هم تا جایی که می‌توانند، توانایی‌های نظامی ایران را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. درست است که ایران متحمل خساراتی در نیروی دریایی (که بخش عمده‌ای از ارتش آن نیست)، ارتش، نیروی هوایی و کارخانه‌های تولید صنایع نظامی خود که موشک‌ها و پهپادهای کشنده خود را تولید می‌کنند، شده است، اما آنها هنوز قابلیت‌های نظامی دارند که می‌توانند با هر حمله‌ای مقابله کنند و خسارات قابل توجهی به ارتش‌های ایالات متحده و اسرائیل وارد کنند. در واقع، ایران هنوز یک ارتش دائمی، نیروی دریایی و نیروی هوایی و موشک‌های کافی دارد که می‌توانند حداقل برای یک دهه یا بیشتر دوام بیاورند، با وجود این خسارات:

در مجموع، ایران برنده استراتژیک جنگ چهار ماهه است. این کشور متحمل خسارات قابل توجهی شد، از جمله بخش زیادی از نیروی دریایی، نیروی هوایی، ظرفیت صنایع نظامی و رهبری سیاسی خود، از جمله آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، که در روز اول جنگ کشته شد.

در واقع، نیویورک تایمز مجبور شد واقعیت ظرفیت واقعی ایران را بپذیرد، «اطلاعات ایالات متحده نشان می‌دهد که ایران قابلیت‌های موشکی قابل توجهی را حفظ کرده است»، ایران 30 مورد از 33 تأسیسات موشکی و بیش از 90 درصد از تأسیسات ذخیره سازی زیرزمینی خود را بازسازی کرده است، به عبارت دیگر، ایران برای جنگی بی‌پایان با ایالات متحده و اسرائیل آماده است:

بر اساس ارزیابی‌های طبقه‌بندی شده اوایل این ماه که نشان می‌دهد ایران به اکثر سایت‌های موشکی، پرتاب‌کننده‌ها و تأسیسات زیرزمینی خود دسترسی مجدد پیدا کرده است، تصویر عمومی دولت ترامپ از ارتش فروپاشیده ایران به شدت با آنچه سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده پشت درهای بسته به سیاست‌گذاران می‌گویند، در تضاد است. نگران‌کننده‌ترین نکته برای برخی از مقامات ارشد، شواهدی است مبنی بر اینکه ایران دسترسی عملیاتی به ۳۰ سایت از ۳۳ سایت موشکی خود در امتداد تنگه هرمز را بازیابی کرده است، که می‌تواند کشتی‌های جنگی و نفتکش‌های آمریکایی را که از این آبراه باریک عبور می‌کنند، تهدید کند.

با توجه به اینکه سایت‌های موشکی از قبل بازسازی شده‌اند، ایران هنوز بیش از ۷۰ درصد از پرتابگرهای متحرک و پیشرفته‌ترین موشک‌های خود را دست نخورده نگه داشته است. "طبق ارزیابی‌ها، ایران هنوز حدود ۷۰ درصد از پرتابگرهای متحرک خود

را در سراسر کشور مستقر کرده و تقریباً ۷۰ درصد از ذخایر موشکی قبل از جنگ خود را حفظ کرده است." بنابراین، ایران بیشتر پرتابگرها و موشک‌های متحرک خود را دارد و علاوه بر این، آنها هنوز حدود ۹۰ درصد از تأسیسات ذخیره‌سازی موشکی زیرزمینی خود را در اختیار دارند. گزارش‌های مختلف از منابع اطلاعاتی متعدد و تصاویر ماهواره‌ای که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، می‌گویند: "ایران تقریباً به ۹۰ درصد از تأسیسات ذخیره‌سازی و پرتاب موشک‌های زیرزمینی خود در سراسر کشور دسترسی پیدا کرده است که اکنون "تا حدی یا کاملاً عملیاتی" ارزیابی می‌شوند. بار دیگر، نشریه آتلانتیک مقاله دیگری از جاناتان لمیر منتشر کرد که در آن اذعان شده بود ایالات متحده در جنگ علیه ایران با عواقب شدیدی روبرو شده است. در این مقاله با عنوان «ترامپ در شکست» آمده است: «ایالات متحده از نظر نظامی، استراتژیک، اقتصادی و شاید اخلاقی ضعیف‌تر و تضعیف شده‌تر شده است» و «جنگی که ایالات متحده در کنار اسرائیل در آن جنگید، به هیچ یک از اهدافی که ترامپ در ابتدا اعلام کرده بود، دست نیافت.»

البته، نشریه آتلانتیک همچنان با این ادعا که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، آن را یک تهدید می‌نامد، با وجود این واقعیت که آیت‌الله خمینی فتوایی علیه توسعه سلاح‌های هسته‌ای صادر کرده است.

«در عوض، این [جنگ] فقط تندروها را در تهران تقویت کرد و مسلماً آنها را جسورتر کرد تا روزی به دنبال سلاح هسته‌ای بروند.»

این مقاله همچنین اذعان کرد که ترامپ برای پایان دادن به جنگ ناامید بود و سپس از تهدیدهای خود مبنی بر اینکه ظاهراً تمدن ایران را نابود خواهد کرد، کاست.

«با وجود این، رئیس‌جمهور چنان مشتاق پایان جنگ بود که بارها از تهدیدهای خود عقب‌نشینی کرد - و به ایران اجازه داد تا بلوف او را باور کند - و متحد نزدیک خود، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، را به خاطر پاسخ به حملات در منطقه به شیوه‌ای که مذاکرات را به خطر می‌اندازد، سرزنش کرد.» ترامپ به معنای واقعی کلمه به نتانیاهو اجازه داد تا او را متقاعد به حمله به ایران کند و خود را در دامی انداخت که قادر به خروج از آن نخواهد بود:

دستگیران و مشاوران خارجی به من گفتند که او روزهای اخیر را با عصبانیت صرف این کرده است که توافق آزمایشی را به عنوان یک پیروزی آشکار جلوه دهد و از مقایسه‌های ناخوشایند با توافقی که پرزینت اوبا ما بیش از یک دهه پیش با ایران منعقد کرد، خشمگین شده است. آنها گفتند که ترامپ به طور خصوصی تند روهای ایران را که برخی از آنها از نزدیک‌ترین متحدان او در حزب جمهوری‌خواه هستند، به دلیل زیر سوال بردن قدرت توافق محکوم کرده است. در داخل دولت، اختلاف نظر در مورد توافق وجود دارد، اما ترامپ با کسانی که طرفدار پایان جنگ هستند، صرف نظر از شرایط آن، در

حالی که نگرانی‌ها در مورد هزینه‌های اقتصادی برای آمریکایی‌ها و هزینه‌های سیاسی برای جمهوری خواهان در میان دوره‌ای افزایش می‌یابد، جانبداری کرد.

پایان سلطه ایالات متحده در خاورمیانه: پایگاه‌های نظامی ایالات متحده نابود شده‌اند

بیش از «۲۰» پایگاه و دیگر سایت‌های نظامی ایالات متحده که برای «عملیات‌های سیاه» توسط سیا و سایر سازمان‌های اطلاعاتی استفاده می‌شدند، نابود شده‌اند و صدها، احتمالاً هزاران سرباز، ملوان، نیروی هوایی و تفنگدار دریایی کشته شده‌اند، اما واشنگتن با وجود ادعاهای ترامپ مبنی بر اینکه «فقط» (۱۳) سرباز آمریکایی در عملیات کشته شده‌اند، آمار واقعی را منتشر نمی‌کند.

به گفته «بی‌بی‌سی وریفای» که میزان خسارات وارده توسط ایران را بررسی کرده و با تأیید تصاویر ماهواره‌ای و ویدیوهای مختلف تأیید کرده است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از ۲۰ سایت نظامی ایالات متحده را نابود کرده است.

تصاویر ماهواره‌ای و ویدیوهایی که توسط بی‌بی‌سی وریفای تجزیه و تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهند که «ایران از آغاز جنگ به ۲۰ سایت نظامی ایالات متحده آسیب رسانده است.»

تصاویر ماهواره‌ای و ویدیوهایی که توسط بی‌بی‌سی وریفای تجزیه و تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهند که حملات گسترده‌تر از آن چیزی است که علناً اعلام شده است.

در ادامه آمده است

که «تهران در تلافی حملات آمریکا و اسرائیل در سراسر ایران و لبنان در سه ماه گذشته، هم پایگاه‌های آمریکایی و هم تأسیسات نظامی مشترک را هدف قرار داده است. پنتاگون می‌گوید از زمان آغاز عملیات خشم حماسی، بیش از «۱۳۰۰۰» هدف را در ایران مورد اصابت قرار داده است.»

تمام پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در خاورمیانه در نهایت باید به طور دائم تعطیل شوند، زیرا قابلیت‌های دفاعی ایران ثابت کرده است که ارتش ایالات متحده نمی‌تواند از پادشاهی‌های خلیج فارس محافظت کند. نیویورک تایمز، در مصاحبه‌ای با صنم وکیل، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در چتم هاوس، با عنوان «کشورهای خلیج فارس با سوالاتی در مورد تکیه بر ایالات متحده برای حفاظت مواجه هستند» گفت: «تضمین امنیتی ایالات متحده دیگر آنطور که فکر می‌کردند قابل اعتماد نیست.» چرا؟ خب، ایران خسارات قابل توجهی به پایگاه‌های نظامی آمریکا وارد کرد و همزمان، کنترل کامل تنگه هرمز را به دست گرفت:

در طول تقریباً چهار ماه جنگ، ایران و متحدانش به پایگاه‌های نظامی، تأسیسات انرژی و هتل‌ها در کشورهای سراسر منطقه حمله کردند و تنگه هرمز، آبراه استراتژیک برای حمل و نقل نفت و گاز، را بستند. رهبران خلیج فارس امیدوارند که این توافق اولیه به کشورهایشان اجازه دهد صادرات نفت و گاز را بدون دخالت ایران از سر بگیرند و به ساکنان خود اجازه دهد بدون ترس از حملات موشکی و پهپادی ایران به زندگی روزمره خود بازگردند.

برخی از پهپادهای ایرانی توانستند از سیستم‌های دفاعی آمریکا فرار کنند و به نظر می‌رسید که دولت و ارتش ایالات متحده برای بستن تنگه توسط ایران آماده نیستند.

در واقع، اکنون که تنگه هرمز تحت کنترل ایران است، رژیم ترامپ در محصله‌ای قرار گرفته است که نمی‌تواند از آن خارج شود. این به تنهایی ثابت می‌کند که ایالات متحده از نظر نظامی در صحنه جهانی شکست خورده است.

تفاهم‌نامه فقط یک تکه کاغذ است، چون تاریخ این را به ما می‌گوید آیا تفاهم‌نامه (MOU) صلح را در خاورمیانه تضمین می‌کند؟ نه، به هیچ وجه، فقط یک تکه کاغذ است و ایرانی‌ها این را می‌دانند. هیچ معنایی ندارد. چیزی شبیه به ۳۶۸ معاهده‌ای است که ایالات متحده بین سال‌های [۱۷۷۸ تا ۱۸۷۱] با ملل بومی امضا کرد تا با به رسمیت شناختن حاکمیت آنها که مرزهایشان را تعریف می‌کرد، به اصطلاح «صلح» برقرار کند، اما با سیاست‌های توسعه‌طلبانه به سمت غرب، دولت ایالات متحده دائماً همان معاهدات را نقض یا به سادگی نادیده گرفت که منجر به ازدست دادن گسترده زمین و در نتیجه جابجایی‌های اجباری شد.

ردی از معاهدات، توافقات صلح یا تفاهم‌نامه‌های نقض شده در DNA دولت ایالات متحده است. اسرائیل، متحد اصلی واشنگتن، قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل در مورد شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و رفتار نظامی را نقض کرده است که منجر به جنایات جنگی متعددی شده است. در این برهه از زمان، چه کسی می‌تواند تعجب کند که ایالات متحده قبلاً تفاهم‌نامه را نقض کرده است

با امضای تفاهم‌نامه (MOU) توسط ایران و ایالات متحده، اسرائیل به نسل‌کشی خود در غزه و لبنان ادامه می‌دهد و این تفاهم‌نامه را بی‌معنی می‌کند. بند اول این تفاهم‌نامه واضح است که خواستار «پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان، و تعهد طرفین از این پس به عدم آغاز هیچ جنگ یا عملیات نظامی علیه یکدیگر، و خودداری از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر، و تضمین تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان» است. بدیهی است که این بخش توسط اسرائیل نادیده گرفته شده است، زیرا آنها اخیراً اعلام کردند که جنوب لبنان را ترک نخواهند کرد. «توافق نهایی، پایان دائمی جنگ در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان و سایر مفاد این بند را تأیید خواهد کرد». اما از زمانی

که ترامپ تفاهم‌نامه را امضا کرد، ارتش آمریکا و اسرائیل بارها مرزهای لبنان و ایران را نقض کرده‌اند. اکنون اسرائیل در تلاش است تا به عنوان بخشی از پروژه اسرائیل بزرگ، حوزه جنوبی لبنان را به طور دائم اشغال کند. پرس تی‌وی در بیانیه ای که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد، گزارش داد که در آن آمده است: «حملاتی که دشمن اوایل امروز علیه پنج پاسگاه ساحلی ایران انجام داد» و «دشمن متجاوز که ماهیت آن نقض تعهدات و نقض توافقات است، در ساعات اولیه امروز به بهانه پاسخ به مقابله نیروی دریایی سپاه با یک کشتی متجاوز [در تنگه هرمز] به پنج پاسگاه ساحلی جمهوری اسلامی حمله کرد.»

این یادداشت تفاهم به وضوح راهی برای واشنگتن و تل‌آویو است تا در تلاش برای آماده شدن برای حمله دیگری به ایران، زمان بخرند. رژیم ترامپ، تشکیلات سیاسی واشنگتن و اسرائیل شکست را نمی‌پذیرند، اگرچه ایران بیش از ۱۳ پایگاه نظامی بزرگ ایالات متحده و چندین تأسیسات نظامی و اطلاعاتی دیگر را که اکنون تنگه هرمز را که نقطه اصلی ترانزیت ۲۰ درصد از نفت جهان است، کنترل می‌کند، نابود کرده است؛ با این حال، ایالات متحده و اسرائیل به حمله به ایران ادامه خواهند داد، حتی اگر هزاران سرباز، ملوان و تفنگدار دریایی آمریکایی توسط فردی که پنج بار از خدمت سربازی فرار کرده و هنوز در دنیای توهم خود ادعا می‌کند که "رئیس جمهور صلح" است، قربانی شوند.

ایالات متحده در این جنگ قاطعانه شکست خورد که نشان می‌دهد ایالات متحده یک قدرت هژمونیک رو به زوال در خاورمیانه است، اما ترامپ به جنگ ادامه خواهد داد، در حالی که مالیات دهندگان آمریکایی هزینه آن را پرداخت می‌کنند، در حالی که هزینه‌های مواد غذایی و قیمت بنزین آنها به دلیل بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران در حال افزایش است.

ترامپ ادعا کرد که ایران در شرف ساخت سلاح هسته ای است که جهان را نابود می‌کرد، که یک دروغ محض بود. ترامپ معتقد است که صرف نظر از پیامدهای اقتصادی تصمیمات بی ملاحظه اش برای رفتن به جنگ، تصمیم درستی گرفته است، زیرا او در وهله اول هنگام برخورد با ایران به "وضعیت مالی آمریکایی‌ها" فکر نکرده است. این به شما می‌گوید که این در مورد حفظ سلطه ایالات متحده در خاورمیانه و در عین حال خدمت به منافع اسرائیل صرف نظر از آنچه مردم آمریکا فکر می‌کنند، حتی اگر گرسنه بمانند، است. این نوعی لحظه "بگذارید کیک بخورند" ترامپ در تاریخ است.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

* تیموتی الکساندر گوزمن در وبلاگ شخصی خود، Silent Crow News، جایی که این مقاله در ابتدا منتشر شد، می‌نویسد. او همکار تحقیقاتی مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) است

«2026-07-13» با تقديم احترامات -----

.....